

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Politikak

سیاسی

نویسنده: یوری آنتونوف (Yuri Antonov)

برگردان: ا.م. شیری

۱۴ جون ۲۰۲۴

در باره تغییر تقسیمات طبقاتی



بسیاری از نویسندگان به تغییر در تقسیم طبقاتی در جامعه اشاره می‌کنند. آن‌ها موضوعاتی را مطرح می‌کنند، اما به دلیل دوری از طبقات، متوجه نمی‌شوند که محتوای این طبقات و اقتضای چگونه تغییر می‌کند. به عنوان مثال، تعریف سرمایه‌دار این بوده و هست: «سرمایه‌دار افرادی را شامل می‌شود که دارایی خود یا عاریتی خود را به منظور کسب سود در چرخه اقتصادی وارد می‌کنند».

بر این اساس، پرولتاریا کسی است که با کار خود ارزش‌های مادی یا فکری تولید می‌کند، اما از حق مالکیت بر ابزار تولید و محصول تولید شده محروم می‌شود.

بقیه، لایه‌ها و اقتضای بین دو طبقه اصلی نامیده می‌شوند. حالا یک لایه بسیار مهم به نام روشنفکر را در نظر بگیریم. پیش از این، قبل از انقلاب اکتوبر سال ۱۹۱۷، روشنفکران خلاق از فروش دانش یا سایر محصولات استعداد خود درآمد داشتند. از وابستگی تحصیلات به درآمد خانواده استفاده می‌شد.

حالا موضوع فرق می‌کند، لازم است قرارداد با کارفرما را مورد توجه قرار داده شود. در این صورت، بلافاصله معلوم می‌شود که کارمند با انعقاد قرارداد، نه تنها نیروی کار خود را می‌فروشد، بلکه از مالکیت نتایج کار خود-مادی یا فکری- نیز صرف نظر می‌کند.

بر این اساس، کارگر یا کارمند، طبق تعریف یک پرولتاریا می‌شود. این را باید همیشه به خاطر سپرد.

بقیه روشنفکران به کسب و کار مشغول می‌شوند، یعنی به داد و ستد محصولات کار خود یا دیگران می‌پردازند. به این ترتیب، به بورژوازی خرد و متوسط تبدیل می‌شوند.

روشنفکران غیرخلاق به سمت مدیریت و بوروکراسی روی می‌آورند و جایگزین مالکان و مقامات می‌شوند و انجام برخی از وظایف بورژوازی، من جمله، استثمار کارگران را به عهده می‌گیرند و بخشی از ارزش اضافه را تصاحب می‌کنند.

نقل از: [روسو](#) - وبگاه دانشمندان سوسیالیست فدراسیون روسیه

[تصویر از اینجا](#)

۲۴ خرداد- جوزا ۱۴۰۳